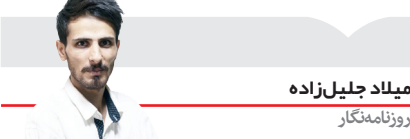


«ما همه با هم هستیم» یکی از پرهزینه‌ترین آثار سینمایی سال‌های اخیر، برای اکران عید فطر آماده می‌شود

سلبریتی‌ها و سرمایه‌های مشکوک با هم هستند؟


میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

این اولین مراسم افتتاحیه‌یک فیلم در ایران است که‌بین عموم مردم‌برای حضور در آن بلیت‌فروشی می‌شود. دست‌اندرکاران فیلم اعلام کرده‌اند تمام عواید فروش بلیت‌ها برای کمک به سیبل‌زدگان اختصاص خواهد یافت. او ویژگی‌های بخش خصوصی این است که می‌تواند چنین پول‌هایی را با چنین عناوینی از مردم دریافت کند اما هیچ کانال مشخصی برای راستی‌آزمایی عمل به وعده‌هایش قرار نداده باشد. بین ۱۴ تا ۲۰ میلیارد تومان برآورد هزینه‌های ساخت این فیلم شده و اعلام کرده‌اند که کل فروش فیلم، به سیبل‌زدگان ایران اختصاص خواهد یافت. این قضیه از آنجا که هیچ توجیه معقولی به لحاظ اقتصادی ندارد، منابع مالی پروژه را به‌شدت زیر سوال می‌برد. گرچه به هر حال سرمایه‌گذاری ۱۴ تا ۲۰ میلیارد تومانی روی یک فیلم تجاری در سینمای ایران از یک منطق قابل توجیه اقتصادی برخوردار نیست. این فیلم باید بین ۲۲ تا ۶۰ میلیارد تومان بفروشد تا صرفا هزینه و سرمایه‌اولیه‌اش برگردد و در بازار بی ثبات امروز ایران که ارزش نقدینگی گاه به روز و ساعات‌افت می‌کند، هیچ‌کس با توجیه اقتصادی سالم، چنین سرمایه‌گذاری هنگفتی را برای تولید یک فیلم سینمایی نمی‌کند. به مردم برای حضور در این مراسم بلیت فروخته شده است اما مهران مدیری، لیلیا حاتمی، جواد عزتی، مانی حقیقی، ویشکا آسایش و خیلی‌های دیگر نیامدند. کسانی که برای کمک گرفتن با این سلبریتی‌ها پول داده بودند و حالا چیزی گیرشان نیامده اعتراض می‌کنند. دست‌اندرکاران فیلم اعلام می‌کنند که این چهره‌ها به دلیل سفر و مشغولیت فیلمبرداری نتوانستند در مراسم حاضر باشند. می‌شود باز از آنها پرسید که پس چرا بلیت فروختید؟ آیا نمی‌توانید پول بلیت را به دلیل خلف‌وعده‌ای که شد برگردانید؟ اگر قرار است این پول صرف کمک به سیل‌زدگان شود، نباید از راه غش در معامله به دست بیایید... اما آیا از کسانی که در سال ۱۳۹۸ و پس از این همه بلوغ و آموختگی جامعه در رابطه با سلبریتی‌ها همچنان برای ملاقات نزدیک با چنین افرادی و گرفتن چند عکس برای قرار دادن در شبکه‌های اجتماعی، پول می‌دهند وصف می‌کشند، می‌شود توقع داشت که چنین سوال‌هایی بپرسند؟ سلبریتی‌ها به‌طور تصادفی و اتفاقی همه‌شان با هم به مسافرت نرفته‌اند. این را هم اهالی سینما خوب می‌دانند که خردادما، فصل پروونقی برای فیلمبرداری پروژه‌هاینست و حالا که با ماه رمضان مصادف شده و حتی برای کسانی که نمی‌خواهند روزه بگیرند، مشکلات فراوانی که اعتراض و انتقاد علمای قم را به همراه داشت

سابقه سرمایه‌گذار «ما همه با هم هستیم»



سلبریتی‌ها نیامدند چون دفعات قبل که در چنین افتتاحیه و اختتامیه‌هایی برای فیلم‌های هادی رضوی، محمد امامی، احسان دلاویز و حسین هدایتی حضور پیدا کردند، برایشان چیزهایی در حافظه جمعی و رسانه‌ای کشور ثبت

شد که حالا کار دست‌شان داده است. بله، سرمایه‌گذار «ما همه با هم هستیم» به لحاظ اقتصادی نقاط مبهمی دارد و دور از ذهن نیست که پس از امثال رضوی، امامی و هدایتی، نوبت او هم برسد. حالا سلبریتی‌ها سعی می‌کنند هر چه کمتر خودشان را قاطی این ماجرا کنند تا بعد مجبور به پاسخگویی درباره‌اش نباشند. به هر حال اکثریت جامعه مثل کسانی نیستند که امروز برای چند عکس یادگاری از سلبریتی‌ها پول می‌دهند و بلیت می‌خرند. شاید به نظر برسد این خیلی خوب است که سلبریتی‌ها دیگر بابت شرکت در پروژه‌هایی با منابع مالی مشکوک، از واکنش اجتماعی مردم می‌ترسند و نشان می‌دهد تلاش‌ها و پرسشگری‌ها و روشننگری‌های بیش از این تا حدودی جواب داده است. اما هنوز همه آن چیزی که باید به آن دست یافت، محقق نشده است. حداقل خواسته عمومی می‌تواند این باشد که هیچ پروژه‌ای بدون منابع قابل توضیح و شفافیت مالی اساسا جلوی دوربین نرود. سرمایه‌گذار «ما همه با هم هستیم» چه کسی است؟ با پول همین سرمایه‌گذار، «برنده باش» ساخته‌شد و از آنتن تلویزیون ملی پخش شد؛ برنامه‌ای که اعتراض و انتقاد علمای قم را به همراه داشت

که مصداق کامل قمار است. همان کسی که هزینه‌های ساخت «رحمان ۱۴۰۰» را داد، فیلمی که مرزهای ابتذال در سینمای ایران را جابه‌جا کرد تا جایی که خود‌وزارت ارشاد نهایتا فیلم را از پرده پایین کشید و برای همیشه توقیف کرد. همان کسی که زوج «مدبری و گلزار» را کنار هم چیده و در چند فیلم تکرار کرده و قرار است اگر چیزی مانع مسیرش نشود در چندین فیلم دیگر هم تکرار کند. سلبریتی‌ها بهتر از رضا میرکریمی و کمال تبریزی، تهیه‌کننده و کارگردان «ما همه باهم هستیم»، متوجه‌شدند که کار با پول‌های مشکوک ممکن است بعدها باعث دردسر شود و برای همین به این مراسم نیامدند. طی یکی دو سال اخیر روی آنها از طرف افکار عمومی فشار سنگینی بود اما زیانه‌های آتش، تازه در حال رسیدن به دامن کسانی مثل میرکریمی و تبریزی است؛ کسانی که ارزش ذاتی کار آنها به‌عنوان فیلمساز خیلی بیشتر از بازیگران است و حیف بود که حتی در صورت پایان یافتن دوره اوج کارشان در سینما؟ درگیر این فضا شوند.



سجاد خواجه علیجانی یک ثروتمند نامرئی در سیستم اقتصادی ایران است که نه سن و سال بالایی دارد، نه پیشینه‌ای که به هیچ طریقه معقولی بتواند صعود او از یک جایگاه معمولی به این پایه از توانایی اقتصادی را توجیه کرد. به‌رغم اینکه اطلاعات ثبتی خواجه‌علیجانی در دسترس قرار دارد، هم‌اکنون مشاهده می‌شود که هیچ شرکتی به نام او و حتی به نام پدر و برادرش که سال ۱۳۸۹ با هم شرکت «گلپا رایان وستا» را در محله نارمک تهران تأسیس کرده‌بودند، نیست. این شرکت با سرمایه اولیه ۱۰۰ هزار تومان به ثبت رسیده و سجاد

علیجانی تنها اطلاعات خودش و خانواده‌اش، بلکه همه چیز را درباره این شرکت پس از آنکه ارتباطش با این مجموعه مشخص شد و در رسانه‌ها پیچید، به‌طور کامل از فضای وب حذف کرد. پس از اینکه مجاری تقلب برنامه می‌تواند در مسابقات پیاپی یک جشنواره جام جم مشخص شد، برای اولین بار توجهات به سمت اسپانسر این برنامه رفت که براساس اعلام پلیس فتا، فرد خاالی به مراجع قضایی معرفی شده است. با اینکه بارها به‌طور رسمی و از زبان شخصیت‌های مختلف، علیجانی مالک اپلیکیشن «برنده باش» معرفی شده، براساس سایت این مسابقه، شرکت «افکار ایرانیان هوشمند» مالک اپلیکیشن این برنامه اعلام شده است. شرکتی که حتی یک سایت هم ندارد و جالب‌تر آنکه نام علیجانی در فهرست مالکان آن نیست و سیدمسیح قریشی و رومینا ثابت‌انصاری آن را در خرداد ۹۱ تأسیس کردند و با عنوان مدیرعامل و رئیس هیات‌مدیره اداره می‌کنند.

علیجانی به همراه پدرش، در خرداد ۹۶ شرکت «گلپا تجارت جهانی ایرانیان» که نام آن شباهت زیادی به شرکت رایانه‌ای قبل‌شان داشت را تأسیس کردند. موسسانی که فقط چهار ماه پس از راه‌اندازی، تمام سهام خود را به دو خانم واگذار می‌کنند و از آن خارج می‌شوند. در عین حال همین شرکت، مالک اپلیکیشن «تیک» است. درواقع از مهرماه ۹۶ تاکنون هیچ شرکتی به نام رضا و سجاد خواجه‌علیجانی ثبت نشده است و هیچ ردپای مستقیمی از علیجانی‌ها نمی‌توان پیدا کرد. در حقیقت پیش از آن هم تنها همان شرکت کوچک

رایانه‌ای در محله چمن غربی هفت حوض نارمک به نام علیجانی‌ها بود و به لحاظ قانونی و قابل پیگرد، مشخص نیست که این همه ثروت طی همین چند سال محدود، از کجا و چطور به دست آمده است. در روزنامه حمایت که متعلق به قوه قضائیه است، در ۳۰ مرداد ۱۳۹۷ یک آگهی منتشر شده است که اعلام می‌کند فردی به اسم سیدمحمد مقدسی، دادخواستی علیه سجاد خواجه‌علیجانی فرزند رضا به اتهام کلاهبرداری مرتبط با رایانه داشته است. این آگهی اعلام می‌کند که «حسب دستور دادگاه طبع موضوع ماده تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی ازجرایم کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضامن را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.»

چنانکه مشاهده می‌شود، حتی قوه قضائیه هم از محل زندگی سجاد علیجانی اطلاع دقیقی ندارد تا دادخواست را به دست او برساند. علیجانی در ششت صحنه «برنده باش» و فرش قرمز «ما همه با هم هستیم» قدم می‌زند اما معلوم نیست کجا زندگی می‌کند، کدام شرکت به نام اوست و انگار این همه پول را در فضایی نامرئی خلق کرده است. او حتی تمام اطلاعاتی که از خود و پدرش در فضای وب وجود داشت را حذف کرده است. سجاد علیجانی به همراه پدرش در سال ۱۳۸۹ شرکت «گلپا رایان وستا» را در نارمک تهران با سرمایه اولیه ۱۰۰ هزار تومان ثبت کرده و سال ۱۳۹۲ به‌عنوان شهروند اصفهان در مسابقات بازی‌های رایانه‌ای «کلاه قرمزی» به‌عنوان شرکت‌کننده‌ای از اصفهان حضور می‌یابد و یک دستگاه گوشی تلفن همراه گلکسی S۴ سامسونگ به‌عنوان برنده مرحله اول جایزه می‌گیرد. او از آن سال تا به حال غیب می‌شود و ناگهان به‌عنوان یک مولتی‌میلیاردر که ۲۰میلیارد تومان خرج یک فیلم کرده و گشاده‌دستانه می‌گوید تمام فروش آن را به سیل‌زدگان تقدیم خواهد کرد، ظاهر می‌شود. علیجانی در این سال‌ها از کانال تلگرامی «خروس جنگی» که مطالب سرگرمی‌ساز منتشر می‌کرد تا تأسیس پنجره‌های پاپ‌آپ در فضای وب ایران، فعالیت‌های این‌چنینی متعددی انجام داده است که به نظر مختصر و کم‌اثر می‌رسند اما اینها همگی با آن چیزی که حیطه اصلی فعالیت اوست ارتباط دارند. سجاد علیجانی تا به حال هیچ‌گاه این خبر منتشر شده را تکذیب نکرد که در تولید پول مجازی بیت‌کوین فعال بوده است و از درگاه‌های مختلفی مثل یک کانال تلگرام گرفته تا پنجره‌های مزاحمی که موقع شرج گل‌گل جلوی چشم افراد با می‌شوند، برای ساختن بیت کوین، از کاربران بی خبر، از حجم اینترنت پولسازی می‌کند.

مجازی بیشتر از پیش میدان پیدا کرده این است که می‌شود آنها را گرداب بزرگی برای مصرف اینترنت توسط کاربران عادی دانست. این یعنی یک بازار داغ برای سازندگان بیت کوین که در صورت به کار رفتن هدایت‌شده‌ان، می‌تواند به شکلی غول‌آسا پولساز باشد. گذشته از اینکه بیت کوین برای امنیت اقتصادی ایران یک خطر جدی است. دزدیدن حجم از مخاطبان بی خبر یک جرم محرز است و دستگاه‌های مختلفی را در کشور راجع به اینکه چرا تاکنون درخصوص چنین موردی برخوردی نشده، ملزم به پاسخگویی می‌کند.

گپ‌و‌گفت

حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی:

تلویزیون در مواجهه با موسیقی

کار شبکه‌های ماهواره‌ای را می‌کند

حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی در گفت‌وگو با تسنیم از وضعیت موسیقی در کشور و رادیو و تلویزیون گفته است. در ادامه بخش‌های مهم این گفت‌وگورامی‌خوانید.

■ **سال‌های سال است که ارتباط بخش جدی موسیقی با رادیو تلویزیون قطع است.** عمده‌ترین دلایلش این است که موسیقی در این رسانه دارای هویت و جایگاه مشخصی نیست. دیگر مسائل از همین ماجرا ناشی می‌شود. شأن و منزلتی که شایسته موسیقی است، در تلویزیون برای این هنر رعایت نمی‌شود. نگاه غیравصولی و قتی به این هنر در تلویزیون وجود دارد، هنرمندان مهم عرصه موسیقی به این رسانه نمی‌روند.

■ **من خواننده اوایل دهه ۶۰ و اواخر دهه ۷۰ هستم.** آن زمان هم خوانندگان زیادی روی کار نبودند. خودم هیچ‌وقت به‌عنوان خواننده حاضر نشدم. به این رسانه بروم. دلایلش هم این بود که تلویزیون برای موسیقی منزلت‌قائل نبود و ساز نشان نمی‌داد. درست مانند این است که شما را به همراه خانواده‌تان به یک میهمانی دعوت کنند و اعضای خانواده را به پستویی بفرستند و خودتان را به اتاق پذیرایی ببرند و بالا بنشانند. این کاری است که تلویزیون با ما خوانندگان انجام می‌دهد. از سوی دیگر چرامن خواننده باید به تلویزیون بروم و پلی‌بک (پخش موسیقی از طریق دستگاه پخش‌کننده و لب‌زدن خواننده) کنم. از میان خوانندگان قدیم یک مورد به من نشان دهید به تلویزیون رفته و پلی‌بک کرده باشد.

■ **گاهی برنامه‌هایی خاص در قالب گفت‌وگو شکل می‌گیرد که کمکی به موسیقی نمی‌کند.** برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشند که به ارتقای سطح فرهنگ موسیقایی جامعه کمک کند. اگر برنامه‌ای گفت‌وگویی و تحلیلی در تلویزیون اجرا شد که در آن چند موزیسین خاص هم حضور داشتند، چنین برنامه‌ای تنها برای موزیسین‌ها جذاب است و خیلی به درد عموم مردم نمی‌خورد.

■ **باید پرسید برای ارتقای ذائقه شنیداری مردم چه کرده‌اید؟** ذائقه موسیقایی مردم باید تربیت شود. یکی از رسالت‌های تلویزیون ارتقای سطح فرهنگ عمومی است که در اساسنامه‌ش هم آمده است. بخشی از این فرهنگ عمومی سلیقه و ذائقه شنیداری مردم است.

■ **کدام یک از برنامه‌های پربیننده تاکنون موزیسینی درجه یک و ممتاز، فرهیخته و بادانش دعوت کرده است.** خوانندگانی به برنامه‌های تلویزیونی دعوت می‌شوند که یک‌شبه مشهور شده‌اند و در ادامه باز هم به همان برنامه‌ها دعوت می‌شوند. ■ **من نگاه انحصارگرایانه ندارم.** موسیقی پاپ را به هیچ وجه رد نمی‌کنم. اصلا درست نیست که بگوییم همه اقشار مردم باید موسیقی ایرانی بشنوند. مگر خود ما که هنرمند موسیقی سنتی هستیم، در همه ایام و ساعات سال، فقط موسیقی سنتی گوش می‌کنیم. مگر ما همیشه حرف جدی می‌زنیم.

■ **ما می‌گوییم هر چیزی جای خودش.** موسیقی سنتی ما جایش کجاست. تلویزیون در طول شبانه‌روز باید ۳۰ شبکه را تغذیه کند. از این میان شبکه‌های استانی ماجرای متفاوتی دارند که در جای خودش جای بحث دارد. ولی در همین شبکه‌های رسمی در طول شبانه‌روز آیا ما دو ساعت حق‌مان است یا نه! آن هم البته در ساعت پربیننده تلویزیون، نه در ساعتی که شبکه‌های تلویزیونی کمترین میزان مخاطب را دارند.

■ **رسوای دیگر دفتر موسیقی سازمان صداوسیما نقشی در پخش موسیقی سازمان ندارد.** دفتر موسیقی آثاری را تولید می‌کند و اگر مسئولان شبکه‌های مختلف صلاح ندانند، اصلا پخش نمی‌شوند. مایام مرکز موسیقی سازمان صداوسیما طرف‌نیستیم. این مرکز آثار خوبی هم تولید می‌کند. در آرشپو این مرکز آثار ارزشمندی وجود دارد. ■ **نگرانی اصلی ما این است که مردم برنامه موسیقی جدی نمی‌بینند.** اگر هم برنامه‌ای جدی در این زمینه پخش می‌شود، زمانش مشخص نیست و مخاطب باید به‌طور تصادفی آن را پیدا کند.

■ **موسیقی سنتی ما سال‌هاست که در معرض خطر است.** نگاه ما سیاسی نیست. ما به نگاه و جهت‌گیری رسانه کاری نداریم. حرف ما این است که برای این موسیقی باید بیش از اینها شأن و منزلت قائل باشید. این هنر مخاطب را به تفکر وادار می‌کند. این هنر فرهیخته است. از هر نظر که نگاه کنیم موسیقی جدی آدمی را از ابتذال دور می‌کند.

■ **عناصر فرهنگی ایران را که بخشی از آنها همین سازها هستند، در تلویزیون خودمان نمی‌بینیم و در عین حال در بیش از ۱۰۰ کانال ماهواره‌ای فارسی زبان هم نمی‌بینیم.** یعنی تمام این حرف‌هایی که زدیم در شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان هم نیست. یعنی تلویزیون در مواجهه با فرهنگ موسیقایی ما همان کاری را می‌کند که شبکه‌های ماهواره‌ای انجام می‌دهند.

■ **«بتمن» جدید سینما معرفی شد**



کمپانی برادران وارنر رسماً «بارت پتینسون» را به‌عنوان «بتمن» یا مرد خفاشی جدید اعلام کرد. این کمپانی قراردادی با هنرپیشه فیلم «گِرگ و میش» برای ایفای نقش «مرد خفاشی» در فیلم جدید «بتمن» منعقد کرده است. فیلم اُبرقهرمانی «مت ریوز» در ۲۵ ژوئن سال ۲۰۲۱ در سینماها به اکران درخواهد آمد. وایتی اولین بار در ۱۶ ماه می اعلام کرد که رابرت پتینسون درحال مذاکره برای گرفتن این نقش است. استودیوی وارنر روز جمعه اعلام کرد که او قرارداد را امضا کرده است. مراحل پیش تولید «بتمن» همین تابستان آغاز می‌شود اما تاریخ و روز دقیق آن هنوز مشخص نشده است. «مت ریوز» کارگردان دو سری فیلم «سیاره میمون‌ها» در سال ۲۰۱۷ رسماً نقش «بتمن» را از «بن افلک» گرفت. او به همراه همکارش در فیلم «سیاره میمون‌ها» ساخت «بتمن» را پیش خواهد برد. «بن افلک» در دو فیلم «بتمن» یکی در سال ۲۰۱۶ با عنوان «بتمن در برابر سوپرمن» و به کارگردانی «زک اسنایدر» و دیگری در سال ۲۰۱۷ با عنوان «لیگ عدالت» و در نقش «مرد خفاشی» ایفای نقش کرد. در سال ۱۹۸۹، کمپانی برادران وارنر، فیلم بلندی با نام بتمن منتشر کرد.

■ **دبوی هزاران تن کاغذ در گمرک**



علی خوشبین از واردکنندگان قدیمی کاغذ کشور در گفت‌وگویی که با «پارس» داشته است، درباره تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کاغذ اظهار داشت: «از ۲۵ فروردین ماه بخشنامه‌ای ارسال شد که کاغذ به‌عنوان کالای گروه دوم محسوب می‌شود و تا امروز همچنان سیستم‌های گمرک برای کاغذ گروه دو و تخصیص ارز نیمایی را نشان می‌دهند. به‌رغم ابلاغ‌ها همچنان کاغذ با ارز نیمایی محاسبه می‌شود. با وجود اعلام مکرر و ارسال حواله‌ها و مشخص شدن اینکه مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی هستیم، اما موفق نشدیم محموله‌های واردشده را از گمرک ترخیص کنیم چراکه سیستم‌ها همچنان ارز نیمایی را نشان می‌هد.» به گفته وی، حدود دو هزار تن بار کاغذ تحریر این واردکننده در گمرک مانده است و در حال حاضر کاغذهایی با کیفیت هندی وارد می‌شود، اما این واردکننده در صورت تسهیل از کشورهایی چون اندونزی، برتغال، برزیل و... کاغذ وارد می‌کند. این واردکننده کاغذ در پاسخ به اینکه آیا با ورود کاغذهای بیوشده در گمرک نیاز کاغذ کشور برطرف می‌شود، گفت: «چند ماه گذشته برای برطرف کردن نیاز کاغذ کشور جلساتی را برگزار کردیم اما به‌بازرگانان اجازه داده نمی‌شود با ارز نیمایی واردات انجام دهند.»

■ **فصل دوم «نون‌خ» ماه رمضان سال آینده پخش می‌شود**



مهدی فرجی در گفت‌وگویی با «مهر» درباره ساخت سریال «نون‌خ» که نوروز امسال به کارگردانی سعید آقاخانی روی آنتن شبکه یک سیما رفت و با استقبال مخاطبان همراه شد، گفت: «در حال حاضر با امیر وفایی نویسنده سریال برای نگارش فصل دوم قرارداد بسته‌ایم و او فعلا به تنهایی سریال را می‌نویسد. قرار است این سریال به کارگردانی سعید آقاخانی برای ماه رمضان سال آینده آماده شود و در ۲۵ قسمت تولید خواهد شد.» فرجی درباره اینکه چرا سریال را برای نوروز نمی‌سازند، توضیح داد: «شبکه یک نوروز ۹۹ سریال «پایتخت» را خواهد داشت و سریال ما قرار است برای ماه مبارک رمضان آماده شود که در مرداد ماه پیش تولید کار را شروع می‌کنیم. سریال «نون‌خ» با بازی خودسعید آقاخانی در نقش نورالدین خانزاده که کاراکتری از مناطق کردنشین را برعهده داشت نوروز امسال روی آنتن شبکه یک رفت. همچنین حمیدرضا آذرنگ، علی صادقی، فریده سپاه‌منصور، هومن حاج عبداللهی، نعیمه نظام دوست، سیروس میمنت، علی صالحی، پاشا جمالی و... از دیگر بازیگران این سریال بودند. «نون‌خ» جزء اولین سریال‌هایی است که کاراکترهای آن را درممانی از مناطق کردنشین تشکیل داده‌اند و با اقبال فراوان در زمان پخش مواجه شد.